



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

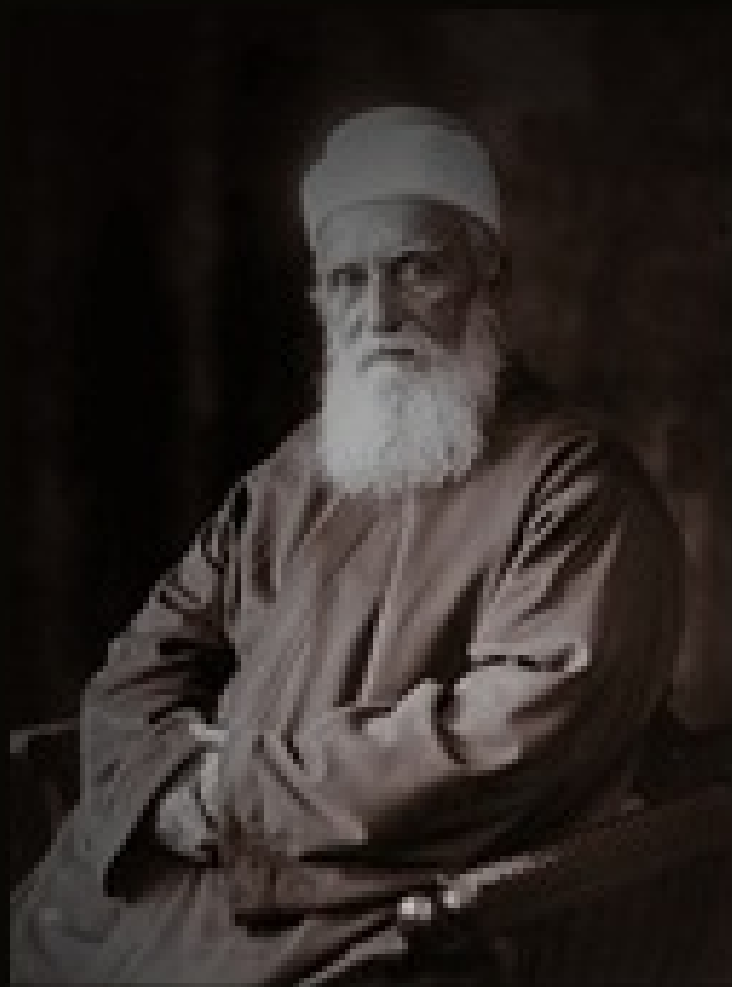
گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم و عقل در نگاه عبدالبهاء



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم و عقل در نگاه عبدالبها

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ علم و عقل در نگاه عبدالبهّا
۶ مشخصات کتاب
۶ علم و عقل در نگاه عبدالبهّا
۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

علم و عقل در نگاه عبدالبا

مشخصات کتاب

برگرفته از:

سایت بهائی پژوهی

علم و عقل در نگاه عبدالبا

در بسیاری از آثار جناب عباس عبدالبا به مرتبه‌ی والای علم و عقل تاکید فراوان شده است. حضرت عبدالبا به ضمن بیاناتی که عمدتاً در مجامع غربی ایراد نموده اند، بارها به تمجید و ستایش از علم و عقل پرداخته اند. به فرموده‌ی ایشان علم و عقل "نور" (خطابات - ج ۱ - ص ۲۲۵) و مایه‌ی "امتیاز انسان بر حیوان" (خطابات - ج ۱ - ص ۲۲۶) است، و هر آنچه با آنها در تعارض است "جهل" و "ظلمت" (خطابات - ج ۱ - ص ۲۲۵ و ۲۲۶) و "وهم محض" است (خطابات - ج ۲ - ص ۱۳۶). جناب عبدالبا نه تنها عقل را ابزار "ادراک حقیقت اشیاء" و متعاقب آن "پرستش حقیقت" (خطابات - ج ۲ - ص ۲۲۷) دانسته اند، بلکه تاکید کرده اند که حتی "عقائد دینی" (خطابات - ج ۱ - ص ۲۲۶) و تمامی "مسائل دین" (خطابات - ج ۲ - ص ۱۳۶ و ۲۲۷) نیز باید با علم و عقل سازگاری داشته باشد، و اگر دین مخالف علم و عقل باشد "اوهم است" و اصلاً "آن را دین نمی گویند" (خطابات - ج ۲ - ص ۲۲۷). بر این اساس ایشان پیشنهاد می کنند که "جمع عقائدتان را تطبیق کنید تا علم مطابق دین باشد" (خطابات - ج ۱ - ص ۱۵۷)، و از مستمعین خود می خواهند که "شما در این فکر باشید که علم را تطبیق به دین کنید و دین را تطبیق به علم" (خطابات - ج ۱ - ص ۱۵۸). جناب عباس افندی در جایی این گونه به جمع بندی سخنان خویش می پردازند: "مقصد این است که بدانید خدا علم و عقل را خلق کرده تا میزان فهم باشد. نباید این چنین قوه‌ی را که موهبت الهی است معطل و معوق کنیم جمیع امور را باید بآن موازنه نماییم. زیرا دین را عقل ادراک می کند اگر انسان عقل نداشته باشد دین را چگونه می فهمد. این مشهود و واضح است که عقل و علم لازم است" (خطابات - ج ۱ - ص ۲۲۷). ایشان ضمناً به طور مکرر خاطر نشان شده اند مناقبی که این چنین برای علم و عقل ذکر می گردد در واقع انعکاس دهنده‌ی تعالیمی است که توسط حضرت بهاءالله برای انسان ها به همراه آورده شده است...؛ "تعلیم چهارم حضرت بهاءالله آنکه دین باید مطابق علم باشد" (...خطابات ج ۲ - ص ۱۴۷...)" و از جمله تعالیمی که حضرت بهاءالله اعلان کرد این بود که باید دین مطابق عقل باشد مطابق با علم باشد علم تصدیق دین نماید و دین تصدیق علم (...خطابات - ج ۲ - ص ۱۳۶...)" پس اگر چنانچه دین مخالف عقل باشد اوهم است. و این نیز یک مسئله‌ی از مسائل و تعالیم بهاءالله است (...خطابات - ج ۱ - ص ۱۵۷). توصیه‌های حضرت بهاءالله در این باب اما با نظرات فرزند بزرگوارشان قدری متفاوت است. اگر به فرموده‌ی عبدالبا خدا علم و عقل را خلق کرده تا "میزان فهم" باشد، تا انسان ها "جمیع امور" را به آن "موازنه" کرده و دین را نیز با آن "ادراک" نمایند، اگر به گفته‌ی عبدالبا بدون عقل نمی توان دین را فهمید و "این مشهود و واضح است که عقل و علم لازم است"، جناب میرزا حسینعلی نوری در مسیری که برای پیروان جهت اعتقاد پیدا کردن به دعاویشان ترسیم می کنند، عقل و علم را حائز هیچ شأنی نمی دانند. بلکه بر عکس، پیشنهاد ایشان برای شناخت "من يظهر الله" (یعنی خودشان) - شناختی که اساس دیانت بهائی بر آن استوار شده (کتاب اقدس - ص ۱) - این است که افراد "عقول و ادراک و علم" خود را کنار گذاشته، و اصلاً با آنها کاری نداشته باشند. جناب میرزا در بخش‌های پایانی کتاب ایقان به علمای بابی چنین توصیه می کنند: "و از فقهاء و علمای بیان استدعا می نمایم که چنین مشی نمایند و بر جوهر الهی و نور ربانی و صرف ازلی و مبدأ و منتهای مظاهر غیبی در زمن مستغاث وارد نیاورند آنچه در این کور وارد شد و به عقول و ادراک و علم متمسک نشوند و به

آن مظهر علوم نامتناهی ربانی مخاصمه نمایند (کتاب ایقان - ص ۱۶۴). ۲- جناب عبدالبهاء علاوه بر آن که علم و عقل را "میزان فهم" می‌دانند، یادآور می‌شوند اساسی که انبیاء نهاده‌اند و حقیقت ادیان الهی و جنبه‌های "روحانیه" این ادیان همگی با علم و عقل تطابق دارد، و هر چه این ویژگی را ندارد از نوع "تقالید" است و "اعتقاد عامیانه" است و "اوهام" است و جزء حقیقت ادیان نیست؛ "جمعیت تقالید ادیان مخالف عقل و علم است نه حقیقت ادیان و از این تقالید این مفاسد حاصل شده است که سبب بغض و عداوت بین بشر گشته ("خطابات - ج ۱ - ص ۱۵۸"). لہذا جمعیت این تقالید که در دست امم است چون مخالف علم و عقل است سبب اختلاف و اوهام شده. پس ما باید تحری حقیقت نمائیم به تطبیق مسائل روحانیه با علم و عقل به حقیقت هر امری پی بریم اگر چنین مجری شود جمعیت ادیان دین واحد شود زیرا اساس کل حقیقت است و حقیقت یکی است ("خطابات - ج ۳ - ص ۹۹"). اگر مسئله‌ئی از مسائل دین به حقیقت مطابق عقل و علم نباشد آن وهم است زیرا ضد علم جهل است. اگر دین ضد علم باشد جهل است. اگر مسئله‌ئی از طور عقل کلی الهی خارج چگونگی انسان قناعت کند. آن را اعتقاد عامیانه باید گفت. اساسی که جمعیت انبیاء گذاشته‌اند حقیقت است و آن یکی است و همه مطابق علم است ("خطابات - ج ۱ - ص ۱۵۵). در مقابل، ادعایی که حضرت بهاءالله داشته‌اند - علی‌رغم همه‌ی بیانات مذکور - این است که از زمان ظهور ایشان، آنچه به عقول آدمها "رسیده" یا در آینده می‌تواند "برسد" - چه از نوع کم و چه از نوع زیاد آن - دیگر "میزان معرفت حق نبوده و نخواهد بود. حتی اگر همیشه چنین بوده از روزگار ایشان دیگر چنین نخواهد بود. اگر همواره این گونه بود که می‌بایست" به تطبیق مسائل روحانیه با علم و عقل به حقیقت هر امری پی بریم، "اگر" اساسی که جمعیت انبیاء گذاشته‌اند حقیقت است و "تنها" تقالید ادیان مخالف عقل و علم "بوده است و" نه حقیقت ادیان، "از روزگار ایشان همه چیز وارونه شده است و هیچ یک از احکام و خواصی که تاکنون برای عقل مترتب بوده از این پس برقرار نیست": بدان‌الیوم آن چه به عقلت رسیده یا برسد یا به عقول فوق تو و دون تو ادراک شود، هیچ یک میزان معرفت حق نبوده و نخواهد بود ("کتاب بدیع، ص ۲۸۶). و البته شاید به همین خاطر است که جناب عبدالبهاء در وصف مشکلات "امروز" (معادل فارسی کلمه‌ی الیوم) رؤسای ادیان چنین گفته‌اند: "رؤسای ادیان امروز گمان می‌کنند که دین عبارت از تقلید آباء و اجداد است... زیرا همچنین گمان می‌کنند که دین مخالف علم است و عقائد دینی را تفکر و تعمقی لازم نیست و تطبیق به عقل و علم جائز نه زیرا عقل و علم مخالف دین است ("خطابات - ج ۱ - ص ۲۲۵) ۳- جناب عباس عبدالبهاء توصیف منویات رؤسای ادیان مذکور را این گونه پی می‌گیرند: "لہذا عقائد دینی باید مجرد عبارت از صرف تلقین رؤسای روحانی باشد و آنچه آنان بگویند باید معتقد شد و لو مخالف علم و عقل است. و حال آنکه علم و عقل نور است دین باید مطابق علم و عقل باشد ("خطابات - ج ۱ - ص ۲۲۵). و البته حضرت بهاءالله نیز به عنوان صدرنشین رؤسای این ادیان، ضمن آن که به مخاطبین خود گوشزد می‌کنند "به عقول و ادراک و علم متمسک نشوند" و به عقل فوق و دون خود کاری نداشته باشند، سبب ضلالت مردم را در این می‌دانند که ایشان چشم و گوش خود را - به عنوان مجاری اصلی فهم - مسدود نکرده‌اند و به آنچه ادراک می‌کردند توجه نموده‌اند: "و این معلوم است نزد هر ذی‌بصری که اگر این عباد در ظهور هر یک از مظاهر شمس حقیقت چشم و گوش و قلب را از آنچه دیده و شنیده و ادراک نموده پاک و مقدس می‌نمودند البته از جمال الهی محروم نمی‌مانند ("کتاب ایقان - ص ۹). و بر همین اساس از مخاطبین خود می‌خواهند تنها به آنچه از طرف ایشان تلقین می‌شود توجه کنند: "مقصود آنکه اگر احبای الهی قلب و سمع را از آنچه از قبل شنیده‌اند طاهر نمایند و به تمام توجه به مطلع امر و ما ظہر من عنده ناظر شوند عند الله احب بوده ("اقتدارات، ص ۲۳۱). و شیرین‌ترین لذت عالم را - به تبعیت از جناب میرزا علی محمد شیرازی - در داشتن مریدانی چشم و گوش بسته می‌دانند که در برابر حرف‌های ایشان چون و چرا نمی‌کنند و هر چه می‌گویند در بست می‌پذیرند، بدون آنکه بخواهند آن را با چیزهای دیگر تطبیق دهند: "هیچ لذتی اعظم تر در امکان خلق نشده که کسی استماع نماید آیات آن را و بفهمد مراد آن را و لم (چرا) بم (برای چه) در حق کلمات آن نگوید و مقایسه با کلام غیر او نکند ("کتاب بدیع، ص ۱۴۵). ۴- واقعیت

این است که آنچه از جناب عبدالبهاء نقل شد تمام حرف های ایشان در باب قیمت و اعتبار علم و عقل و ادراک نبود. ایشان آنجا که چندان دغدغه ی تأمین خاطر مستمعین اروپایی و آمریکایی را نداشته اند، با فراغ بال به تبیین نظرات پدر بزرگوار خویش پرداخته اند، مقام عقل را از آن جایگاه رفیع تنزل داده اند، در حجیت و اعتبار عقل تردید کرده اند، و ادراک را و تمامی راه های تحقق آن را ناقص و دچار اختلال قلمداد نموده اند:" موازین ادراک میزان ادراک آنچه مسلم است منحصر در چهار موازین است یعنی حقائق اشیا به این چهار چیز ادراک می شود. اول میزان حس است یعنی آنچه به چشم و گوش و ذائقه و شامه و لامسه احساس می شود این را محسوس می گویند. امروز نزد جمیع فلاسفه اروپا این میزان تام است می گویند اعظم موازین حس است و این میزان را مقدس می شمارند و حال آنکه میزان حس ناقص است زیرا خطا دارد... لهنذا نمی شود بر آن اعتماد کرد. میزان ثانی میزان عقل است و این میزان در نزد فلاسفه اولی، اساطین حکمت، میزان ادراک بود به عقل استدلال می کردند و بدلائل عقلیه تشبث می نمودند زیرا استدلالات ایشان جمیع عقلی است با وجود این بسیار اختلاف کردند و آرائشان مختلف بود... پس معلوم شد که میزان عقلی تام نیست چه که اختلاف فلاسفه اولی و عدم ثبات و تبدیل فکر دلیل بر این است که میزان عقل تام نیست چه اگر میزان عقل تام بود باید جمیع متفق الفکر و متحد الرأی باشند. میزان ثالث میزان نقل است و آن نصوص کتب مقدسه است که گفته می شود خدا در تورات چنان فرموده است و در انجیل چنین فرموده است این میزان هم تام نیست به جهت آنکه نقل را عقل ادراک کند بعد از این که نفس عقل محتمل الخطاست چگونه توان گفت که در ادراک و استنباط معانی اقوال منقوله خطا نموده بلکه عین صواب است زیرا ممکن است که خطا کند و یقین حاصل نمی شود. این میزان رئیس های ادیان است آنچه آنها از نصوص کتاب ادراک کنند این ادراکات عقلیه آنهاست که از آن نصوص ادراک کنند نه حقیقت واقع زیرا عقل مثل میزان است و معانی مدر که از نصوص مثل شیء موزون میزان که مختل باشد موزون چه نوع معلوم می شود. پس بدان آنچه در دست ناس است و معتقد ناس محتمل الخطاست زیرا در اثبات و نفی شیء اگر دلیل حسی آرد واضح شد که آن میزان تام نیست و اگر دلیل عقلی گوید آن نیز تام نیست یا اگر دلیل نقلی گوید آن نیز تام نیست پس واضح شد که در دست خلق میزانی نیست که اعتماد نمائی بلکه فیض روح القدس میزان صحیح است که در آن ابداً شک و شبهه ای نیست و آن تأییدات روح القدس است که به انسان می رسد و در آن مقام یقین حاصل می شود ("مفروضات، ص ۲۲۴). ۵- شاید این از ویژگی های جناب عبدالبهاء باشد که چون در مجامع غربی حضور می یابند، آنقدر شیفته ی پیشرفت های علمی آنها - پیشرفت هایی که چه در آینده و چه در روش بر تجربه کردن و ارزیابی های تجربی استوار بوده است - می گردند که پیشنهاد می دهند اصلاً اعتقادات دینی را نیز به میزان علم بسنجید و مدام در فکر این باشید که "علم را تطبیق به دین کنید و دین را تطبیق به علم،" و هر چه با علم منطبق نبود را جهل و ظلمت و وهم قلمداد کنید. اما چون از حضور غریبان فارغ می شوند و چشم آنها را دور می بینند، به آرامی زیر آب تمام کشفیات تجربی آنها را می کشند، و خرمن نظریه های علمی آنها را یک باره بر باد می دهند و تصریح می کنند:" اول میزان حس است... امروز نزد جمیع فلاسفه اروپا این میزان تام است می گویند اعظم موازین حس است و این میزان را مقدس می شمارند و حال آنکه میزان حس ناقص است زیرا خطا دارد... لهنذا نمی شود بر آن اعتماد کرد. "یک بار سبب ایجاد اختلافات میان مردم را در عدم پیروی آنها از علم و عقل معرفی می کنند؛ "جمیع این تقالید که در دست امم است چون مخالف علم و عقل است سبب اختلاف و اوهام شده،" اما بار دیگر اختلاف موجود میان حکما و تعارضات موجود در آرای آنها را به عنوان شاهدهی بر مخدوش بودن میزان عقل عنوان می نمایند. یک بار عقل را میزان فهم، ابزار موازنه ی جمیع امور و وسیله ی فهم و ادراک دین عنوان می کنند؛ "خدا علم و عقل را خلق کرده تا میزان فهم باشد... جمیع امور را باید به آن موازنه نمائیم. زیرا دین را عقل ادراک می کند، اگر انسان عقل نداشته باشد دین را چگونه می فهمد،" بار دیگر آنچه از مفاهیم دینی که با معیار عقل سنجد می شود را دچار خلل می دانند تنها به سبب آن که میزان بکار گرفته شده در این سنجدش - یا همان "عقل - "خود مختل بوده است؛ "عقل مثل میزان است و معانی

مدرکه از نصوص مثل شیء موزون. میزان که مختل باشد موزون چه نوع معلوم می شود. "یک بار مشکل امروز رؤسای ادیان را در این می بینند که آنها تطبیق عقائد دینی را با عقل جائز نمی دانند؛ رؤسای ادیان امروز... گمان می کنند که دین مخالف علم است و عقائد دینی را تفکر و تعمقی لازم نیست و تطبیق به عقل و علم جائز نه زیرا عقل و علم مخالف دین است،" اما جای دیگر برعکس ایراد رئیس های ادیان را در این می دانند که به خاطر پیروی از "ادراکات عقلیه"ی خود از دریافت "حقیقت واقع" بازمانده اند؛ این میزان رئیس های ادیان است آنچه آنها از نصوص کتاب ادراک کنند این ادراکات عقلیه آنهاست که از آن نصوص ادراک کنند نه حقیقت واقع. "یک بار تاکید می کنند که راه تشخیص مطالب ساختگی از حقیقت دین و ایجاد وحدت میان ادیان بهره گیری از عقل است؛ ما باید تحری حقیقت نمائیم. به تطبیق مسائل روحانیه با علم و عقل به حقیقت هر امری پی بریم. اگر چنین مجری شود جمیع ادیان دین واحد شود زیرا اساس کل حقیقت است و حقیقت یکی است،" بار دیگر فهم آدم ها از متون دینی را ناقص می خوانند تنها به خاطر آن که در مسیر این فهم پای "عقل" به میان می آید؛ به جهت آنکه نقل را عقل ادراک کند. بعد از این که نفس عقل محتمل الخطاست چگونه توان گفت که در ادراک و استنباط معانی اقوال منقوله خطا نموده بلکه عین صواب است زیرا ممکن است که خطا کند و یقین حاصل نمی شود. "و بدین سان اختلافاتی که ممکن بود میان تعداد قابل توجهی از فلاسفه و حکما یا ادیان و ملل در بگیرد را حضرت عبدالبهاء یک جا و به تنهایی در میان آرای خود و ذیل یک موضوع واحد گرد می آورند. اگر در نزد حضرت عبدالبهاء وجود اختلاف در آرا سبب مختل شدن موازین ادراک است، اگر میزان عقل ناقص است" چه که اختلاف فلاسفه اولی و عدم ثبات و تبدیل فکر دلیل بر این است که میزان عقل تام نیست چه اگر میزان عقل تام بود باید جمیع متفق الفکر و متحد الرأی باشند،" برای دیگران نیز گریزی نیست جز این که یا در اعتبار میزانی که حضرت عبدالبهاء به عنوان "میزان صحیح" ادراک بر شمرده اند تردید کنند، و یا مطمئن باشند که لااقل برای ایشان از "فیض روح القدس" و تأییدات او نصیب و بهره ای در کار نبوده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

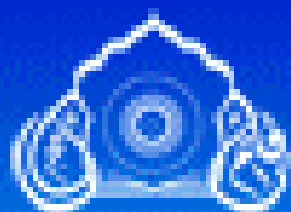
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

